

نقش و نمادها بر اشیاء و آثار

فاطمه خاتمی فر

مقدمه:

نقش مایه ها و آرایه های منقوش بر آثار و اشیاء در دوران مختلف با تمام تنوع و گوناگونی به چند گروه کلی تقسیم می شوند که عبارتند از:

نقوش هندسی

استفاده از طرحهای هندسی در تزئین اشیاء گوناگون سابقه ای دیرینه دارد مانند نقوش تزئینی بر سفالینه های پیش از تاریخ در هزاره های مختلف قبل از میلاد .

طرحهای هندسی از طرحهای بسیار ساده مانند چند خط موازی تا طرحهای پیچیده تررا شامل می شود . در دوران اسلامی طرحهای در هم پیچیده هندسی بر اشیاء و تزئینات وابسته به معماری از اصلی ترین طرحها محسوب می شوند .

بسیاری از طرحهای هندسی چه به صورت ساده و چه به صورت پیچیده گاه دارای مفاهیم رمزی و نمادین می باشد . مهمترین نقوش درهم پیچیده هندسی از یک دایره اصلی و چند دایره و یک یا چند ضلعی فرعی به وجود می آیند . طراحی این اشکال تودر توی هندسی به نظر مشکل می آید ولی هنرمندان چیره دست با کمک گرفتن از علم هندسه در ترسیم این نقوش کاملاً موفق بوده اند .

نقوش گیاهی

به صورت طبیعی یا تجریدی و استلیزه های خلاصه شده و تا حدی غیر طبیعی مانند طرحهای طوماری و اسلیمی گیاهی که حرکتی موزون را در ساقه گیاهان با شاخ و برگ ایجاد می کند . نقوش گیاهی طبیعی شامل درخت با شاخ و برگ و انواع گلها .

نقوش انسانی

درصحنه های مختلف مانند صحنه های جنگ ، شکار، به صورت پیاده یا سوار ، صحنه های بزم و نوازندگی و صحنه های مربوط به تشریفات مذهبی یا درباری از نقوش انسانی استفاده شده .

نکته قابل توجه این است که از نقوش انسانی در بسیاری از موارد به شکل نمادین استفاده شده مانند نقوش صور فلکی بر اشیاء .

نقوش حیوانات و پرندگان مختلف

مانند اسب ، گاو ، شیر ، پلنگ ، بز کوهی ، خرگوش ، مار و پرندگان مانند کبوتر ، طاووس ، هدهد و ...

البته گاهی این موجودات به صورت ترکیبی نقش شده اند مانند سیمرغ که نقش آن ترکیبی از اجزاء پرنندگان مختلف است مانند چشم تیز بین عقاب و سرهد هد .

گاه نیز قسمتهایی از بدن انسان یا جانوران ترکیب شده مانند اسفنجسهای پرنده با سر انسان که جنبه ای اسطوره ای و نمادین دارند . نقش برخی از حیوانات نیز به عنوان نماد به کار گرفته شده به عنوان مثال اسب که به قول احمد غزالی نقش روح را دارد و حامل عشق است چنانکه گوید : روح چون از عدم به وجود آمد منتظر مرکب عشق بود تا به وجود برسد . اسب مامور است تا مسافر خود را به کانون عشق نزدیک کند .

گاو نیز نماد ماه و زایش است .

کتیبه ها :

استفاده از خطوط مختلف جهت کتیبه نویسی به ویژه در هنر اسلامی علاوه بر بیان مفاهیم مختلف به عنوان عاملی تزئینی و با فنون خاص زیبایی شناسی در تناسب دور و سطح در ایجاد نظم هماهنگ بر روی آثار و اشیاء به کار رفته است .

همانطورکه در تقسیم بندی فوق ملاحظه شد بسیاری از نقوش به صورت طبیعی با مفاهیمی نمادین به کار می روند. نمادها در واقع بر گرفته از صورتهای طبیعی هستند که در طول تاریخ بشرینا بر نیازهای مادی و معنوی حد واسطی میان عالم طبیعت و ماوراءالطبیعه قرار گرفته اند .

مسلمان نقوشی که به دست انسان در دوران سنگ بر دیوارغارها و یا بر سفالینه ها نقش بسته صرفاً جنبه تزئینی نداشته و نیازی مبتنی بر باورهای اوجت درخواست و یا دست یابی به مایحتاج و نیازهایش مانند نقش شکار کردن یک حیوان که نیاز و آرزوی او را جهت موفقیت در امر شکار برای غذا می رساند و یا خطوط ساده هندسی موج یا زیگزالی بر ظروف سفالی که نشان دهنده نیاز به بارش باران است و در این امر مسلمان شرایط اقلیمی و زیست محیطی نیز نقش اساسی داشته . در طول تاریخ تفکر بشر به حقایق و وقایعی بیشمار که در ماوراءدرک بشر قرار دارند او را وا داشته تا برای ابراز اندیشه ها و مفاهیمی که توصیف کلامی آنها مشکل بوده ، نظامهایی از علائم مختلف ابداع نماید .

" کارل گوستاو یونگ " روانشناس سوئیسی (۱۹۶۰-۱۸۷۵) - موسس مکتب روانشناسی تحلیلی می گوید :

"واژه یا تصویر زمانی یک نماد است که متضمن چیزی در ماوراءمعنای آشکار و مستقیم باشد ."

طرحهای هندسی و مفاهیم نمادین آنها :

دایره : نقطه ای است گسترش یافته . تفسیرنمادی آن دربرگیرنده مفاهیم کمال و یکپارچگی و عدم هر نوع تمایز و تفکیک است . علاوه بر مفهوم کمال که در نقطه ازلی وجود دارد دایره نمادی از خلاقیت است ، یعنی خلق جهان در مقابل خالق . دایره متحدالمرکز نمایانگر طبقات و سلسله مراتب وجودند . حرکت دایره ای، حرکتی کامل و تغییر ناپذیر است بدون آغاز و انجام و لا یتغیر . به همین جهت است که دایره نمادی از زمان می باشد . علاوه بر این که دایره نمادی از حرکت پیوسته و مدور است . نمادی از جهان معنوی و متعالی است . در مرکز دایره تمام شعاع ها به نحوی

همهانگ کنارهم جمع می شوند . این نقطه دربرگیرنده تمام خطوطی است که از مبنای مشترک به صورت همهانگ نشات می یابند . تمامیت و یکپارچگی این خطوط در یک نقطه مرکزی اوج کمال است .

مربع: بر طبق یک ضرب المثل چینی " بی نهایت عبارت است از مربعی بدون گوشه " . مربع یکی از اشکال هندسی است که بیش از هر شکل دیگری به عنوان جهانی ترین صورت در زبان نمادها به کار رفته است . بر طبق نظریه فیثاغورث " مربع نماینده وحدت انواع و گونه ها و نشان دهنده برابری یک چیز با خودش به نحولایتناهی است " و یا از نظر افلاطون نیز مربع نماینده و نماد همهانگی است که عالیترین فضیلت به شمار می آید و شناختی است کامل که شخص از طریق آن می تواند به حقیقت مطلق دست یابد . مربع نمادی است از زمین در برابر آسمان (دایره) یا به عبارتی نمادی است از جهان مخلوق (زمین و آسمان) . مربع شکلی است ایستا و ثبات گرا و اضلاع و زوایای برابرش احساسی از سکون ، استحکام و حصار ، کمال و استقرار و... بر می انگیزاند . ابو یعقوب می گوید : (چهار) یکی از کاملترین ارقام است و در معنایی وسیع ترقمی است از تکمیل تجلی و نمادی است از دنیای مستقر و سازمان یافته . این حرکت از نقطه ای ساکن آغاز می گردد و با رفتن به چهار سوی اصلی ، صلیب را می سازد . وجود شکل صلیبی در مربع نمایانگر پویایی رقم چهار است و شکل صلیبی (چلیپا) رابطه ای میان دایره ، مربع و مرکز است . چلیپا از نقطه تقاطع خطهایش که بر مرکز دایره منطبق است ، به سوی دایره می رود ، آنرا قطع و به چهار بخش مساوی تقسیم می کند .

شکل صلیب رابطه ای ظریف میان عدد چهار با مربع را بر قرار می کند . بالهای صلیب مبنای تمام نمادهای جهت یاب را تشکیل می دهد . انسان با بازوان گشاده اش می تواند این شکل را بسازد . لئوناردو داوینچی و همچنین هنرمندان دیگر از این نماد به منظور ارائه تناسبی در حد اعلی سود جسته اند . پرندهگان در حال پرواز نیزنمایی از این شکل اند. شکل مربع مربوط به مکان است ، همانگونه که دایره مربوط به زمان است .

مثلث : مثلث متساوی الاضلاع بیانگر همهانگی و تناسب است . این نماد ه عدد سه اشاره دارد . در واقع تمام اشکال را می توان از طریق ترسیم خطوطی از مرکز به زوایای آنها به مثلث تقسیم نمود . (همچنانکه هر زایشی با تقسیم شکل می گیرد .)

تغییر مثلث متساوی الاضلاع به مثلث قائم الزاویه به طور ضمنی یادآور زیان و خسرانی است که حاصلش از دست رفتن تعادل است . هر مثلث به عنصری خاص مربوط می شود :

مثلث متساوی الاضلاع با زمین ، مثلث قائم الزاویه با آب ، مثلث مختلف الاضلاع با هوا و مثلث متساوی الساقین با آتش . مثلثی که راس آن به سوی بالا باشد نمادی از آتش و مثلث با راس رو به پائین نمادی از آب است . مثلث کلاسیک (راس آن ۳۶ درجه و هر یک از زوایای قاعده اش ۷۲ درجه است) عدد ۳۶ نماینده یکپارچگی کیهان و تلاقی عناصر اربعه است . مشتقات این عدد بیان کننده رابطه سه جانبه میان آسمان و زمین و بشر است . همچنین عدد ۳۶ برابر است با مربعی که هر ضلع آن ۹ باشد و به طور تقریبی مساوی با دایره ای است که قطر آن ۱۲ باشد . هم دایره وهم سال شمسی هر دو به ۳۶۰ قسمت تقسیم می شوند . مثلث همچون کلید هندسه و مبنای تقسیم زمین (تقسیم یک قطعه خط به دو قسمت به طوری که یکی از آنها واسطه هندسی بین قطعه دیگر و تمام خط باشد) به همین خاطر به آن " تناسب الهی " نیز می گویند .

مثلث الهام بخش ترکیبات سه گانه بشماری در تاریخ اعتقادات و مذاهب بوده است . مانند شعارهای اخلاقی مثل "پندار نیک ، کردار نیک ، گفتار نیک " و یا دوره های سه گانه حیات " تولد ، رشد و مرگ " و ابزارهای سه گانه علم کیمیا " نمک ، گوگرد و جیوه "

رنگ و نماد

تفاوت میان رنگها یکی از تدابیر و حکمت الهی است . بنابراین درک زیبایی هستی و شناخت وجودی و ابعاد آن بر اساس اختلاف رنگها میسر می شود . قدما رنگهای اصلی به هفت رنگ تقسیم کردند (سیاه ، سفید ، قهوه ای ، زرد ، سبز ، آبی ، قرمز) عدد هفت در بسیاری از امور فرهنگی و اجتماعی و معنوی بشر متجلی است . مانند هفت آسمان ، هفت روز هفته ، هفت مرحله سیروسلوک در عرفان و مراحل هفت گانه عروج .

در میان کتب ادبی هیچ اثری به اندازه هفت پیکر نظامی در روشن ساختن اسرار رنگها در بعد مادی و معنوی غنی تر نیست . در این اثر هنری قوه مکاشفه در زمینه رنگها شگفت انگیز است .

از داستان های معروف هفت پیکر ، هفت گنبد است که متناسب با طبع هفت اختر است . داستان هفت گنبد کنایه از صعود انسان در غلبه بر هوای نفس و حرص و تزکیه است . که در هفت روز هفته و با هفت رنگ گنبد به آن اشاره شده

است . چنانکه اولین روز هفته به رنگ سیاه و گنبد آن نیز مشکین است . برای روز یکشنبه گنبد زرد در نظر گرفته شده که روز مربوط به خورشید است و رنگ زرد شادی آفرین است . روز دوشنبه ، رنگ سبز - رنگ بهار و وصلت و جاودانگی - روز سه شنبه گنبد به رنگ سرخ است و روز چهارشنبه گنبد فیروزه ای است که نشان روشن شدن آسمان سیاه و تاریک با بر آمدن خورشید در هنگام طلوع است . این رنگ در واقع واسط بین سیاه و سفید و خاصه رهایی از ظلمت به وسیله سلوک به نور است . این رنگ امتزاجی از نور و ظلمت است . روز پنج شنبه گنبد به رنگ صندل یعنی قهوه ای روشن است به این معنی که خورشید بر می آید و خاک زمین به رنگ قهوه ای روشن نمایان می شود . روز جمعه رنگ گنبد سپید است یعنی روشنائی در این هفت رنگ گنبدها مراحل رسیدن انسان از تاریکی به نور به صورت نمادین مشخص است .

به طور کلی در نگارگری ایرانی که برخاسته از مبانی عرفانی و فلسفی است به مسئله رنگ توجه شده است و مقوله نور در نگارگری در واقع مقوله تجلی عرفانی است و هنرمند تمامی مهارت خود را به کار می گیرد تا به یکایک عناصر طبیعت در پرتو زیبایی الهی با رنگها مفهومی رمز آمیز ببخشد و چنین است که در مینیاتورهای ایرانی رنگها چشمگیر و درخشان هستند .

نماد چلیپا و چلیپای شکسته

نماد چلیپا ی شکسته نخستین بار در خوزستان یافت شده و زمان آن حدود به پنج هزار سال پیش از میلاد می رسد و آشکار می سازد که ریشه ای کهن در ایران زمین دارد و بسیار ژرف در تار و پود و باورهای مردم راه یافته است . پژوهشگران این علامت را گردونه خورشید نامیده اند . البته گردونه خورشید نامی است که اروپائیان برگزیده اند چرا که آنها فرهنگ خود را بر پایه دانش و فرهنگ یونانی می دانند و از آن دیدگاه به این نماد نگریسته و این نام را انتخاب کرده اند ، ما ایرانیان گردونه ای برای خورشید نداریم و یونانیان و رومیان برای خورشید گردونه می شناختند .

بر اساس اوستا مهر یکی از ایزدان مزد یسنا به شمار آمده و دارای گردونه بوده . مهر(خورشید) روزگاری دراز پرستش می شده و هم در آن روزگار کهن و هم در دوره اوستا ، سوار بر گردونه ای بر گرد جهان می گشته و فروغ و روشنایی خود را پخش می کرده و با پیمان شکن و دروغگو در نبرد بوده . همچنین یاور دلیران و قهرمانان بوده و به همین منظور نیازمند ابزار تندرو بوده که بتواند در زمان لازم در میان دروغگویان و دشمنان حضور یافته و به ستیزه بر خیزد ، این ابزار تند رو گردونه ای است با چرخ بلند و چهار اسب سفید تیز تک . پس شایسته است که این نماد گردونه مهر نامیده شود .

در حفريات شوش سفالی به دست آمده که دارای نقش بز کوهی است و در داخل خمیدگی داخل شاخ بز نقش چلیپا (گردونه مهر) نقش شده است .

نکته قابل توجه این است که اقوام بسیاری از مردمان و در زمان باستان ، در سرزمینهای گوناگون خود را وابسته به جانوری می دانستند و او را ستایش می کردند و حتی پیکره اش را برای خود میساختند و از اینجا توتم (Totem) پدیدار شد . از این نوع جانوران می توان به گاو و بز کوهی اشاره نمود که نماد سود بخش طبیعت به شمار می آمده و گرامی بوده است . نگاره های بز کوهی و گاو با شاخ بر آثار به جای مانده از قرون پیش از میلاد فراوان دیده می شود و گویای پیوندی است که مردم باستان ، میان حلال ماه و گوی خورشید و شاخ می شناختند .

می دانیم ماه و خورشید در زندگی کشاورزان ارزشمند و در زمینه دامداری نیز سودمند می باشد . زندگی کشاورزان بدون زمین و دوام و شرایط مناسب آب و هوایی ممکن نیست و به این ترتیب اینگونه پیوند خود به خود میان این عوامل پدیدار گشته است .

در بسیاری از سفالینه ها ، در میان کمان شاخ گاو یا بز کوهی نگاره چلیپا و چلیپای شکسته یا ماه و خورشید دیده می شود . در کاوشهای به دست آمده که بر بدنه آن نقش شیر ، شاهین ، بز و چلیپا در بالای نقش شیر وجود دارد . چلیپا نزد تیره هایی از مردم در زمان گذشته نقش خورشید و آتش بوده و در قرون گذشته و دوره های تاریخی بعد کم کم به شکل گوی بر پشت شیر نمودار شده و روزگاری دیگر پیرامون گوی پرتوها و اشعه هایی آمده و در زمانی دراز یکی از پایه های پیدایش نگاره شیر و خورشید گشته است . پس در آغاز به صورت چلیپا در بالای نقش شیر و سپس نقش گوی و بعد از آن به شکل گوی اشعه دار شده است .

در شهر سوخته در منطقه سیستان مهرهایی از سنگ مرمر ، لاجورد ، مفرغ ، استخوان و سفال به دست آمده که دارای خطوط و نشانه های دایره ای است . بر روی برخی از آنها چلیپاهای ساده نقش شده اند . این مهرها قدمتشان به پنج هزار سال پیش می رسد . این مهرها عمدتاً دارای سوراخ بوده که احتمالاً از طریق آن بر گردن یا بازو آویخته می شده . برخی از این مهرها در کنار بازوی اجساد نیز یافت شده است که شاید بتوان آن را دلیلی دانست برای استفاده از این مهرها جهت برخورداری و پشتیبانی از نیروهای ناشناخته .

به طور کلی چلیپا نمادی است که از چند هزار سال پیش از میلاد بر آثار مختلف سفالی ، جنگ افزارها و آثار دیگر نقش می کردند . آنچه مسلم است ، این نقش نمادی مقدس در میان مردم به ویژه آریائیها بوده است . چلیپا در کیش های کهن نشانواره گردونه جهان هستی و خورشید بوده و در زندگی و مرگ انسانها نقش مهمی داشته

است . این نقش نماد افزایش و فراوانی است و بدینگونه در طول زمان با زندگی بشر در پیوند بوده ، بر روی هم این نقش در نزد ملل مختلف مفاهیمی داشته که عبارتند از :

- خورشید و حرکت آن
- چرخ گردنده
- بی آغاز و انجام
- پیدایش و گردش چهار فصل
- چهار سوی گیتی
- دور کننده اهریمن ها
- گردونه مهر
- چلیپای راست گرد مظهر مرد و کهکشان
- چلیپای چپ گرد مظهر زن و زمین
- تکامل و تعالی (ترکیبی از نقطه و دایره)

منابع:

۱- روح فر، زهره. جزوه درس نقش و نماد. دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، ۱۳۸۸.